



پلتفرم‌های دیجیتال ایرانی فارغ از انواع مواجهات خود با بازیگران ناظر و یا بازیگران قضایی، در حوزه مسئولیت پلتفرمی به دلیل ابهام نظام مسئولیت پلتفرمی و یا عدم استناد به برخی اسناد موجود، عموماً تجربه‌ای غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل تطبیق با مثال‌های تطبیقی یادشده داشته‌اند

را محدود یا سلب کرده است. هرچند این مسأله ریشه در نگاهی تهدید انگارانه به پلتفرم‌های دیجیتال و عدم تمایل ضمنی حاکمیت به توسعه بخش خصوصی در برخی حوزه‌ها دارد اما عموماً حاکمیت کم شدن اقدامات تنظیمی نظارتی خود را نوعی از ارائه تسهیلات در نظر می‌گیرد و انواع مختلف تسهیلات مالی و غیرمالی جهت رشد و بلوغ اکوسیستم را چندان مد نظر خود قرار نمی‌دهد. برخی تلاش‌ها همچون آیین‌نامه حمایت از سکوها و کسب و کارهای اقتصاد دیجیتال نیز منجر به خروجی عملیاتی و یا اثربخشی در درده میانی و پایین بازار نمی‌شود.

نتیجه؟ نادیده ماندن چالش‌های روز

گیرافتادن مسأله کسب و کارهای پلتفرمی در ایران در دام مسائل یادشده چه از سوی حاکمیت و چه از سوی خود بازار، دوری باطل را به وجود می‌آورد که باعث عدم بلوغ این دسته از کسب و کارها در برخی حوزه‌ها می‌شود. کساکش مسئولیت زیاد و عدم مسئولیت و بحث‌های موافقان و مخالفان تنظیم‌گری نیز غالباً بحث را در همین سطح نگه می‌دارد و در کنار عدم اراده قوی حاکمیت برای اعمال تنظیم‌گری به جای برخورد‌های قضایی موجب عقب‌نگه داشتن صنایع مبتنی بر پلتفرم از ورود به حوزه‌های جدید و نیز بلوغ آنها می‌شود. در این موقعیت صحبت از بحث‌هایی جدیدتر همچون حفاظت از داده‌ها، تنظیم میزان دسترسی سنی، ارائه خدمات تخصصی و... چندان به سطح عملیاتی نمی‌رسد و در دور همیشگی خود می‌ماند.

• پی‌نوشت:

- 1- Communication Decency Act 1996
- 2- Electronic Commerce Directive
- 3- The Audiovisual Media Services Directive (AVMSD)
- 4- The Digital Services Act (DSA)
- 5- The Digital Markets Act (DMA)

۶- اکبری نوری، ح. (۱۴۰۱). خشت اول اینترنت آمریکا و چالش مسئولیت پلتفرم در ثرای اروپا. پیوست. قابل دسترس در:

<https://peivast.com/p/156370>

- تضعیف تنظیم‌گری بخشی
 - ایجاد احساس عدم نیاز به تشکیل تنظیم‌گر حوزه تخصصی یا تفویض وظایف آن
 - رسیدگی غیرتخصصی به مسائل به سبب عدم وجود شعب تخصصی مراجع قضایی در این حوزه
 - طی مسیر ایجاد سوءسابقه قضایی به جای پرونده تخلف تنظیم‌گری و تبعات آن
- در پرونده‌های یادشده در مورد پلتفرم‌های دیجیتال نیز می‌توان گفت چهار مورد یادشده توأمان رخ داده و عملاً کارکرد تنظیم‌گری در نظام حکمرانی ازسوی نهاد غیرتخصصی جلورفته است.

سندرم تأسیس نهادی در نظام حکمرانی ارتباطات و رسانه ایران

هرچند وجود نهاد تنظیم‌گر باعث عدم ورود مداوم و مستقیم نهاد قضایی می‌شود، اما تلاش برای تأسیس نهاد جهت ساماندهی یک موضوع خود چالش متقابل می‌آفریند. می‌توان این چالش را «سندرم تأسیس نهادی در ایران» نامید. تلاش برای تأسیس نهاد یا نهادهایی برای تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال و یا همچون سند «چهارچوب تنظیم‌گری سکوها فضای مجازی کشور» چندین پاره کردن تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال میان بیش از ۱۵ بازیگر ازسوی حاکمیت و تمایل ضمنی نبود تنظیم‌گر ازسوی برخی بازیگران بخش خصوصی، همگی نوعی از گونه‌شدید یا ضعیف ابتلا به این سندرم هستند که دست کم در پاسخ به مسائل سیاستگذاری فضای مجازی در ایران غالباً به چشم می‌خورد. سابقه مصوبات شورای عالی فضای مجازی در موضوعات مختلف نیز برای این مسأله یعنی تلاش برای چندپاره کردن مسأله به جای تعیین وظایف مشخص در نگاشت‌های نهادی صحنه می‌گذارد.

رؤیای همیشگی تسهیل‌گری حاکمیت

غلبه وجه سلبی و تنظیمی در اسناد سیاستی و قانونی در حوزه کسب و کارهای دیجیتال و نهادینه شدن کارکرد «ساماندهی» برای این گونه اسناد، اساساً امکان بروز نگاه تسهیل‌گری و تدوین اسناد تسهیل‌گری در این حوزه